

اتحادیه اروپا در سیاست خارجی ترکیه

در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲)

سیده مطهره حسینی*

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

طالب ابراهیمی

مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی کنگان

صفی الله شاه قلعه

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی کمیجان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۸/۳)

چکیده

به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) در ترکیه در سال ۲۰۰۲، گفتمان سیاست خارجی این کشور را دچار تغییرهای اساسی کرد. آنکارا تمام تلاش خود را به کار گرفت تا با ورود به عرصه‌های تعامل و همگرایی با نظام بین‌المللی، به صورت کلی حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را بر پایه منافعش گسترش دهد. ایجاد ثبات و امنیت سیاسی بیشتر، استفاده از پتانسیل‌های موثر اتحادیه در پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، افزایش قدرت چانه زنی در روابط بین‌الملل از مهمترین مزایای الحاق ترکیه به اتحادیه اروپاست. اکنون سیاست‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه در راستای همگرایی با شرایط عضویت در اتحادیه اروپا قرار گرفته است و با استفاده از همه ابزارهای ممکن به دنبال تحقق آرزوی دیرینه و تاریخی ترکیه هستند؛ تا آنجا که دست به بازنگری ایدئولوژی، دیدگاه‌ها و برنامه‌های حزبی خود زده‌اند و اصلاحات سیاسی و اقتصادی قابل توجهی را در جهت عضویت در اتحادیه اروپا انجام داده‌اند. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

کلید واژه‌ها

سیاست خارجی، ترکیه، اسلام‌گرایان، حزب عدالت و توسعه، اتحادیه اروپا

* Email: ma_hoseyni@yahoo.com

مقدمه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ ترکیه، تحولی مهم در سیاست خارجی ترکیه به وجود آمد. هم‌زمان با تغییر شرایط بین‌المللی پس از جنگ سرد و در پاسخ به نیازهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست خارجی ترکیه نیز دچار دگرگونی شده و رویکرد نوینی را، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، در پیش گرفته است. آنکارا همه تلاش خود را به کار گرفته تا با ورود به عرصه‌های تعامل و همگرایی با نظام بین‌المللی، حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را بر پایه منافعش در دو محور مهم گسترش دهد: نخست، این که می‌خواهد با پیوستن به اتحادیه اروپایی ثابت کند که از نظر تاریخی، راهبردی و اقتصادی به اروپا تعلق دارد. دوم، تلاش می‌کند با بهره‌گیری از موقعیت راهبردی خود در اروپا، قفقاز و آسیا و با ایجاد ساختارهایی جدید و توسعه یافته از یک طرف و در دست گرفتن ابتکار میانجی‌گری در اختلاف‌های میان کشورهای همسایه از سوی دیگر در چالش‌های مهم منطقه‌ای ایفای نقش کند.

رهبران حزب عدالت و توسعه درحالی به روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا شتاب بخشیده‌اند که در گذشته در زمان دولت‌های ائتلافی از مخالفین سیاست های غرب محور ترکیه بودند و اتحادیه اروپا را مانند یک باشگاه مسیحی می‌دانستند. اما اکنون سیاست‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه در جهت همگرایی با شرایط عضویت در اتحادیه اروپا قرار گرفته است و با استفاده از همه ابزارهای ممکن، به دنبال تحقق آرزوی دیرینه و تاریخی ترکیه است. تا آنجا که دست به بازنگری ایدئولوژی، دیدگاه‌ها و برنامه‌های حزبی خود زده است.

با بررسی سیاست خارجی ترکیه، پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، این پرسش مطرح می‌شود که نوع نگاه به اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲ - ۲۰۰۲) چگونه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال، مفروض زیر قابل طرح است: سیاست خارجی ترکیه افزون بر غرب محوری و غرب مداری در عرصه سیاست خارجی (همکاری با ناتو)، فاصله گرفتن از سیاست های ترک گرایی به‌همراه تمایل جدی برای عضویت در اتحادیه اروپا را در سال‌های اخیر مورد نظر قرار داده است.

نوشتار حاضر توصیفی-تحلیلی است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز بیشتر با شیوه تحلیل کیفی انجام شده است.

حزب عدالت و توسعه

اسلام‌گرایان ترکیه، حزب عدالت و توسعه را از لایه مدرن حزب منحل شده رفاه تأسیس کردند. پس از وقوع کودتای سفید علیه اربکان^۱ و انحلال حزب رفاه به رهبری وی از سوی دادگاه قانون اساسی، اربکان مجبور به استعفا شد. رویدادهای پس از آن منجر به زندانی شدن اربکان و رجب طیب اردوغان شد. ولی اردوغان پس از مدتی از زندان آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سرگرفت. پس از انحلال حزب رفاه به رهبری اربکان، حزب فضیلت به رهبری رجایی کوتان^۲ جانشین آن شد. ولی این حزب هم به دلیل نداشتن تحمل آن از سوی نظامیان، توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. نبود استحکام درونی و رهبری کاریزماتیک موجب شد درگیری و اختلاف درون این حزب شروع شود. درگیری در میان محافظه‌کاران حزب به رهبری رجایی کوتان و اصلاح طلبان به رهبری عبدالله گل^۳، بر سر درک اسلام و برداشت و تفسیر آن در مسائل روزمره شدت گرفت؛ تا جایی که رجایی کوتان پس از انحلال حزب فضیلت، حزب سعادت را با گرایش‌های اسلامی محافظه کارانه تأسیس کرد. اصلاح طلبان و نوگرایان آن نیز، حزب عدالت و توسعه را به رهبری اردوغان و عبدالله گل تأسیس کردند (Gareth, 2007, p. 5). مهم‌ترین راهبردهای حزب عدالت و توسعه عبارت است از:

- آموزش و پرورش اصلاحات،
 - همکاری‌های اقتصادی با دیگر کشورها،
 - تشویق سرمایه گذاری،
 - ارتقای مردم‌سالاری و حقوق بشر (Amr, 2008, p1).
- با وجود پیچیدگی سیاسی ترکیه در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، حزب عدالت و توسعه در حوزه اقتصادی رشد دو رقمی داشته که هم‌زمان با انتخابات ترکیه تأثیر مثبتی برای این حزب

1. Arbakan
2. Rajai Kutan
3. Abdullah Gul

داشت (Taşpınar, 2012). انتخابات زود هنگام سال ۲۰۰۲ به پیروزی نوگرایان انجامید. حزب عدالت و توسعه توانست با به کارگرفتن دیدگاه‌های معتدل و غیر ایدئولوژیک ۳۴/۲ درصد آرا را کسب کند و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب، موفق به تشکیل دولت شد (واعظی، ۱۳۹۱، ص ۲). از هنگامی که این حزب قدرت را بدست گرفت تاکنون هیچگاه در پی تشکیل حکومت اسلامی نبوده است. می‌توان گفت آنها غیر دینی هستند تا اسلام‌گرا، چون مذهب را منحصر به امور فردی و شخصی کرده‌اند و در پی پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه نیستند (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ و انتخاب آنان در ژوئن ۲۰۱۱ برای سومین بار، سبب شد که تحلیل‌گران از زاویه‌های مختلف به بررسی علت‌های موفقیت این حزب بپردازند. به شکل کلی در مورد علت‌های پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ دلایل زیر را می‌توان مطرح کرد:

موفقیت در زمینه اقتصادی: در پنج سال اول حکومت حزب عدالت و توسعه، یعنی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، اقتصاد ترکیه رشد پایداری را تجربه کرد. حزب عدالت و توسعه موفق شد نرخ تورم سه رقمی ترکیه را تک رقمی کند، بیکاری را تا ۱۰ درصد کاهش دهد، با حذف شش صفر از جلوی رقم‌های روی اسکناس‌ها، ارزش پول ترکیه را در مقابل ارزهای خارجی افزایش داد، برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی تلاش بی وقفه‌ای را انجام داد و موفق شد سرمایه‌های زیادی را حتی از کشورهای غربی جذب کند. در این مدت درآمد سرانه ترک‌ها به ۷۴۰۰ دلار رسید. تولید ناخالص ترکیه حدود ۶ درصد رشد داشته و این رشد از سال ۲۰۰۲ تا به حال تقریباً مستمر بوده است. در سال ۲۰۰۴ حزب حاکم عدالت و توسعه موفق شد نرخ تورم را به ۹/۳ درصد کاهش دهد که این رقم در ۳۰ سال گذشته در تاریخ ترکیه بی سابقه بوده است (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۴). می‌توان گفت در زمینه اقتصادی، حزب عدالت و توسعه با در پیش گرفتن سیاست‌های آزاد سازی، خصوصی سازی و همراهی با اقتصاد بازار جهانی موفق شد به این دستاورد برسد.

سیاست‌های اصلاحی داخلی: بدون شک سیاست‌های اصلاح‌گرایانه حزب عدالت و توسعه در دوره‌های زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱، یکی از مهم‌ترین دلایل‌های پیروزی آنان بوده است. سیاست‌های اردوغان مبنی بر رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی، حذف اعدام از

مجازات‌ها، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، رفع تبعیض‌های جنسیتی، کاهش تعداد و نقش نظامیان در پست‌های اجرایی از جمله دبیر شورای امنیت ملی و دبیر آموزش و پرورش موجب شد که این برداشت در ذهن ترک‌ها شکل بگیرد که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه افرادی مردمی و قانون‌گرا هستند و بهتر است به این گروه رأی داده شود. سیاست‌های اصلاحی اردوغان سبب شد که اقلیت‌های قومی به‌ویژه کردها و اقلیت‌های دینی (علوی‌ها و طریقت‌های مذهبی) طرفدار او شده و به حامیان حزب عدالت و توسعه تبدیل شوند. سیاست‌های اصلاحی اردوغان حتی سبب شد تا حدودی اعتماد نظامیان هم جلب شود و از شدت دشمنی آنها نسبت به اسلام‌گرایان کاسته شود.

روش میانه‌روی و اعتدال حزب عدالت و توسعه: دولت اردوغان در دوره اول حکومت

خود پرهیز از تندروی را سرلوحه کارهای خود قرار داده بود و از موضع‌گیری‌های تندروانه پرهیز می‌کرد. این اقدام دولت اسلام‌گرا سبب شد بسیاری از اتهام‌هایی که سکولارها به دولت اردوغان می‌زدند و آن را متهم به داشتن برنامه‌های اسلام‌گرایانه و گرایش‌های اصول‌گرایانه می‌کردند، بی‌اثر شود. در این زمینه، اردوغان پیش از برگزاری انتخابات اخیر نام ۱۵۶ نفر را از فهرست انتخاباتی خود حذف کرد و ۱۵۶ نفر دیگر را جایگزین کرد (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۵۵). نکته مهم این است که ۱۵۶ نفری که از فهرست حذف شدند، از جناح تندرو حزب عدالت و توسعه بودند و گرایش‌های اسلام‌گرایانه تندی داشتند، ولی ۱۵۶ نفری که جایگزین آنها شدند از چهره‌های شاخص دانشگاهی، فن‌سالاران و گاه چهره‌های غیردینی (که از گرایش‌های تندروانه بریده بودند) هستند. با این اقدام حزب عدالت و توسعه باز هم به میانه روی نزدیک‌تر شد و بسیاری از سیاست‌های انتقادی مخالفین را خنثی کرد.

موفقیت در زمینه سیاست خارجی: در زمینه سیاست خارجی نیز حزب حاکم عدالت و

توسعه، عملکرد موفقی داشته است. به‌ویژه در مورد حمایت از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، این حزب موفق شد محبوبیت خود را بالا ببرد. موفقیت اردوغان در تعیین شدن تاریخ شروع گفت‌وگوهای پیوستن به اتحادیه اروپا، سبب شد مردم ترکیه به او به‌عنوان یک قهرمان ملی نگاه کنند. موضع‌گیری دولت اردوغان در جنگ آمریکا علیه عراق هم سبب شد که اعتبار این گروه نزد افکار عمومی به صورت چشمگیری افزایش یابد، چون افکار عمومی ترکیه به‌شدت مخالف جنگ بود. جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه در مورد مسائل خاورمیانه،

به‌ویژه در مورد جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان و اسرائیل و همچنین نكوهش اقدام‌های خشن اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، باز هم به افزایش محبوبیت این حزب در افکار عمومی کمک کرد. در مجموع می‌توان گفت حزب عدالت و توسعه در این دوره ضمن حفظ روابط با غرب، در پی گسترش روابط با جهان اسلام و شرق هم بود. مجموعه این اقدام‌ها سبب شد که بیشتر مردم ترکیه به این نتیجه برسند که دولت اردوغان سیاست خارجی موفق‌تری داشته و از این رو می‌توان دوباره به این حزب رأی داد. اصول اساسی سیاست‌های حزب عدالت و توسعه را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ۱- تحکیم مردم‌سالاری در داخل،
- ۲- ایفای نقش محوری در منطقه و همچنین ایجاد الگویی برای کشورهای مسلمان و عرب منطقه،
- ۳- چند جانبه‌گرایی و توجه به کشورهای عربی و مسلمان،
- ۴- سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان،
- ۵- نقش میانجی بازی کردن در مسائل مختلف منطقه‌ای و جهانی،
- ۶- تلاش برای ایجاد تعادل در سیاست‌های منطقه‌ای (خاورمیانه‌ای) و اروپا-آمریکایی (ایمانی، ۱۳۹۱، ص ۳).

روابط ترکیه و روسیه

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، روابط ترکیه و روسیه روندی رو به رشدی داشته و به شکل چشمگیری گسترش یافته است. در سال ۲۰۰۵، روابط میان دو کشور با توجه به پیشینه تاریخی، بهتر از هر زمان دیگری در سال‌های گذشته بوده است. در دیدارهای متعددی که میان مقام‌های بلند پایه دو کشور انجام شد، آنها توانسته‌اند در برخی زمینه‌ها به تفاهم و همکاری برسند. به ویژه در زمینه انرژی، بیش از ۷۰ درصد گاز ترکیه از روسیه وارد می‌شود و میان دو کشور، در بستر دریای سیاه، یک لوله انتقال گاز صادراتی اختصاصی به نام «جریان آبی»^۱ کشیده شده است. دو کشور قرارداد جداگانه‌ای جهت گسترش تجارت انرژی امضاء کرده‌اند که می‌تواند ترکیه را به کشور مهمی در جهت گسترش حمل و نقل گاز روسیه به

1. Water flow

اروپا تبدیل کند. حجم تجارت میان دو کشور به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. با این وجود، همکاری‌های روسیه و ترکیه در حوزه‌های تجاری-اقتصادی به صورت پویایی در حال توسعه است و نقش مهمی در روند کلی روابط دو جانبه این دو کشور دارد. در سال‌های اخیر روسیه همواره جایگاه مهمی را در تجارت خارجی ترکیه داشته است. همکاری‌های اقتصادی دو کشور در دو دهه اخیر که در زمینه‌های تجارت و انرژی در جریان بوده است، به شکل روز افزونی ادامه دارد و چشم انداز روشن تری را برای آینده ترسیم می‌کند (کرمی، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

با وجود همکاری‌های رو به گسترش روسیه و ترکیه پس از سال ۲۰۰۲، هر دو کشور در پی تقویت جایگاه منطقه‌ای خود هستند. هر دو کشور برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز رقابت می‌کنند. از این گذشته، اتحاد راهبردی با روسیه این الزام را برای ترکیه در پی خواهد داشت که روابط خود را با اتحادیه اروپا کم رنگ کند. در حالی که ترکیه بخش بیشتر تجارت خارجی خود را با دو طرف مهم غربی یعنی اتحادیه اروپا و آمریکا انجام می‌دهد که همچنان مهم‌ترین متحدان و شریک‌های امنیتی آن کشور هستند (قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶).

روابط ترکیه با روسیه در دوره حزب عدالت و توسعه در حوزه‌های انرژی، تجارت و جهانگردی توسعه چشمگیری یافته و مقام‌های دو کشور از آن به‌عنوان روابطی با ماهیت راهبردی سخن می‌گویند. با توجه به تغییر و تحولات در موازنه‌های قدرت در منطقه و جهان به‌ویژه در دهه اخیر، ترکیه و روسیه در رقابتی پنهان هم‌زمان با توسعه روابط و همکاری‌ها تلاش کردند که بدون خدشه دار کردن روابط خوب اقتصادی خود، تا حد ممکن از بروز تنش در روابط پرهیز کرده و به منافع یکدیگر احترام بگذارند. ترکیه و روسیه در این دوران روابط خود را بر اساس حفظ منافع مشترک در دریای سیاه و آسیای مرکزی با هدف مقابله با نفوذ کشورهای غربی به این مناطق متمرکز کرده‌اند (House, 2009, p. 4).

این سیاست در دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین همچنان ادامه یافته و روسیه با حفظ روابط همراه با اختلاف با غرب، روابط خود با ترکیه را به‌عنوان یکی از محورهای سیاست راهبردی خود برای ایجاد توازن با غرب و براساس اعتماد و احترام متقابل بکار گرفته است. چالش‌های جدیدی مانند استقرار سامانه رادار دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و بحران سوریه از موضوع‌هایی است که پوتین در سیاست خارجی در رابطه با ترکیه با آن رو به‌رو بوده است. به‌دلیل روابط خوب آنکارا و مسکو که در ۱۰ سال گذشته، موجب رونق روابط اقتصادی دو کشور شده است. با توجه به تغییر شرایط سیاسی منطقه و همگرایی بیشتر ترکیه با

کشورهای غربی پس از آغاز بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، برخی از سیاست‌های آنکارا بر نگرانی مسکو افزوده است. عضویت ترکیه در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) همواره از نگرانی‌های امنیتی روسیه بوده است. این نگرانی در سال ۲۰۱۱ با پذیرش استقرار سامانه راداری ناتو در خاک ترکیه افزایش یافت و مسکو بارها اعلام کرده است که این اقدام را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند.

هر چند ترکیه به عنوان یک کشور عضو ناتو و نزدیک به غرب محسوب می‌شود اما به دلایل شرایط ژئوپلیتیک و سیاسی روسیه جایگاه مهمی در سیاست خارجی ترکیه داشته و این کشور مجبور بوده است به دلیل نوع ایفای نقش دو طرف در برابر قفقاز، خاورمیانه و اروپا همواره به روسیه و همکاری با آن توجه داشته باشد، ولی همانند اختلافات با ایران، مواضع ترکیه در قبال بحران سوریه و استقرار موشک‌های ناتو، این موضوع را برای رهبران ترکیه به همراه دارد که با توجه به این اختلافات، روسیه نیز به یکی از موضوعات چالش برانگیز در روابط خارجی ترکیه تبدیل خواهد شد. به بیانی دیگر این دلایل باعث اختلاف‌های سیاسی ترکیه و روسیه شده است که در صورت تداوم این اختلافات ترکیه را با هزینه‌های زیادی مواجه می‌کند. این امر پیامدهای مهمی برای ترکیه دارد چرا که به دلایل ژئوپلیتیکی، سیاسی و همچنین انرژی روسیه نقش مهمی برای کشوری مانند ترکیه دارا می‌باشد (Gareth, 2012, p. 5).

در مجموع باید اشاره کرد که در شرایط کنونی مسکو و آنکارا، به دنبال باز تعریف روابط خود هستند. با توجه به پیشینه نامطلوب روابط ترکیه و روسیه، باید توجه داشت که روابط دو کشور در سال‌های اخیر در دو بخش سیاسی و اقتصادی رشدی متفاوت داشته است؛ بدین معنی که در زمینه مسائل اقتصادی و به‌ویژه انرژی رشد بسیار چشمگیری را شاهد بودیم، در صورتی که در زمینه سیاسی با وجود اشتراک‌های بسیار، ترس و رقابت بر روابط حاکم است.

رابطه ترکیه و اتحادیه اروپا

دولت ترکیه از مدت‌ها پیش برنامه پیوستن به اتحادیه اروپا را به‌عنوان سیاست رسمی خود دنبال می‌کند و این امر بیشتر در آموزه‌های ملی گرای و ترک‌گرایی ریشه دارد که ترکیه را بخشی از تمدن غرب می‌داند و در پی پیوستن به آن است (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۴).

حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی خود روابط نزدیک با اروپا را به‌ویژه عضویت در اتحادیه اروپا را به‌عنوان رکن اصلی تعقیب می‌کند. کنفرانس سران اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۴ در بروکسل، با آغاز گفت‌وگوهای پیوستن ترکیه موافقت کرد. پیرو آن گفت‌وگوهای آنکارا با اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۵ به‌صورت رسمی شروع شد (اشلقی و نقدی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱). اگر چه تاکنون روابط با اتحادیه اروپا به دو علت براساس خواست ترکیه پیشرفت نکرده و سردی روابط دو طرف محسوس بوده است.

عامل نخست، کندی ترکیه در روند اصلاحات داخلی است. درحالی که دولت اردوغان در ابتدای پیروزی حزبی در سال ۲۰۰۲، اولویت زیادی به اصلاحات داده بود. با این وجود، روند کند اصلاحات - به تعبیر غربی‌ها - روند گفت‌وگوهای پیوستن را کند کرده است. از طرف دیگر، واکنش‌ها و رفتار برخی محافظ اروپایی نسبت به مسائل داخلی ترکیه، شیفتگی اولیه نسبت به اتحادیه اروپا را در بخش‌هایی از حزب عدالت و توسعه با چالش رو به‌رو کرد. تصمیم دادگاه حقوق بشر اروپایی^۱ در ژوئن ۲۰۰۴ در مورد عدم حمایت از حق دولت در موضوع حجاب، شوک بزرگی بر بیشتر اعضای حزب عدالت و توسعه وارد کرد (نوع پرست، ۱۳۸۶، صص ۹۱-۸۰). عامل دوم، کاهش چشمگیر گرایش عمومی اروپا به گسترش اتحادیه اروپا به‌ویژه پذیرش ترکیه، پس از همه‌پرسی فرانسه و هلند در ماه‌های مه و ژوئن ۲۰۰۵ است (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۱).

از سوی دیگر، با وجود برخی علائم حاکی از استقبال عضویت آن کشور در اتحادیه اروپا، نگاه منفی اروپا به عضویت ترکیه موجب ناخشنودی مردم ترکیه از اتحادیه اروپا شده و روند حمایت مردم از عضویت در این اتحادیه در چند سال اخیر کاهش چشمگیری داشته است. تا جایی که حمایت ۷۳ درصدی مردم ترکیه از عضویت در اتحادیه اروپا به ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۶ و ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۷ کاهش یافت (قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۷). با وجود این مشکل‌ها، دولت اردوغان به عضویت در اتحادیه اروپا متعهد مانده است. وی در آستانه انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷، قول داد که تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا را دو چندان کند (Robins, 2007: p 293). با این حال، موضوع‌های مهم و حل‌نشده‌ای (از نظر اتحادیه اروپا) در راه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا وجود دارد که مهم‌ترین آنها موارد زیر است:

1. European Court of Human Rights (ECHR)

۱. داشتن یک اقتصاد بازاری پویا، مستعد و قادر به رقابت با اقتصادهای اعضای اتحادیه،
 ۲. داشتن نظام سیاسی باثبات که تضمین کننده مردم سالاری، حکومت قانون، رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها باشد،
 ۳. توانایی دولت‌های خواستار عضویت برای برآورده کردن تعهدهای ناشی از عضویت به‌ویژه هدف‌های اتحادیه مالی و پولی به‌عنوان رکن سوم اتحادیه (آقازاده، ۱۳۸۳، ص ۱۵).
- آغاز گفت و گوهای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا به روند اصلاحات مردمی سازی در این کشور کمک کرده است. تمایل مردم ترکیه برای پیوستن کشورشان به اتحادیه اروپا و آغاز روند پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا موجب شده است که ترکیه، مجموعه قوانین خود را اصلاح کند و حقوق بنیادی خود را تقویت کند تا با استانداردهای اروپا همخوانی داشته باشد. ترکیه کشور پهناوری نیست، ولی از نظر راهبردی اهمیت بالایی دارد و از نظر ژئوپلیتیکی در منطقه‌ای حساس و ناآرامی واقع شده است. ترکیه کشوری است غیر دینی با جمعیت مسلمان و برای غیر دینی‌ها، عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا به آنها این اطمینان را می‌دهد که دین و سیاست در ترکیه از یکدیگر جدا خواهند ماند. همچنین این ضمانت را می‌دهد که با کم شدن قدرت ارتش، درها برای بنیادگرایان و کردهای جدایی طلب باز نخواهد شد. از نظر راهبردی و ژئوپلیتیکی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بسیار مثبت ارزیابی می‌شود. از نظر اتحادیه اروپا ترکیه کشوری است دموکرات، باثبات و پر رونق که یکی از بهترین هم پیمان‌های اتحادیه اروپا است (Chislett, 2012, p. 3).

اگه من باغیش^۱ وزیر امور اتحادیه اروپای ترکیه نیز پس از انتشار این گزارش در مرکز ستا (بنیاد تحقیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) گفت: «از نظر نظام اقتصادی اتحادیه اروپا، ترکیه به موقعیت مهمی در رشد اقتصادی دست یافته است. ترکیه از نظر اقتصادی، به بازاری بسیار خوب برای کشورهای اروپایی تبدیل شده است. اتحادیه اروپا، از نظر ترکیه بزرگترین طرح برای تغییر و تحول اجتماعی است. اصلاحات اروپایی در ترکیه، این کشور را به یک کشور پیشرفته تبدیل خواهد کرد. ترکیه به راهبرد عضویت خود در اتحادیه اروپا ادامه خواهد داد. توسعه و تقویت دموکراسی ترکیه به علت اجرای اصلاحات اروپایی، ترکیه را به منبع الهام دموکراسی خواهی ملت‌های اروپایی در روند بهار عربی تبدیل کرده است. هم ترکیه و هم

1. Ige Men Baghysh

اتحادیه اروپا در حال تغییر هستند و اروپای جدید بدون حضور ترکیه وجود نخواهد داشت» (قائم مقامی، ۱۳۹۱، ص ۲).

با وجود مشاهده‌ها و گمانه زنی‌ها میان ترکیه و اتحادیه اروپا، به نظر می‌رسد هر دو طرف خود را برای پایان دادن به روند گفت و گوها آماده می‌کنند. اردوغان در سال ۲۰۱۱ گفت: «اگر اتحادیه اروپا ترکیه را نمی‌خواهد این را بگوید و ما را بیش از این خسته نکند». بسیاری از کارشناسان اروپایی بر این باور هستند که احتمال دارد گفت و گوهای ترکیه و اتحادیه اروپا، ۱۰ سال یا بیشتر طول بکشد. در هر دوره زمانی دولت‌های مختلفی ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده می‌گیرند و سبب به عقب افتادن روند گفت و گوها می‌شوند. مگر این که هر دو طرف برای پایان دادن به روند گفت و گوها توافق کنند (Morelli, 2011, p. 16). از نگاه غرب، ترکیه از سه جنبه اهمیت دارد:

۱. به‌عنوان مدلی برای دولت‌های قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان،
 ۲. کاهش جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه،
 ۳. آزمون تأثیربخش خصوصی فعال در ثبات و اصلاحات سیاسی (Khalilzad, 2000, p. 45).
- غرب و نظام سرمایه‌داری در این سه مورد منافع حیاتی دارد و حضور خود را در مناطق پیرامون ترکیه تا حد زیادی وابسته به این سه عامل می‌داند. در صورتی که ترکیه نتواند در این سه هدف موفق شود، منافع غرب با تهدیدهای جدی روبرو خواهد شد. در کنار اینها همکاری ترکیه و اروپا در زمینه‌های زیر برای غرب اهمیت حیاتی دارد:
۱. تأمین امنیت انتقال انرژی از قفقاز، خلیج فارس و آسیای مرکزی به بازارهای جهانی،
 ۲. مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی به‌ویژه در خاورمیانه،
 ۳. جلوگیری از گسترش ناامنی‌های ناشی از تحولات روسیه، از جمله مهاجرت، منازعه‌های قومی و ناامنی در حوزه دریای سیاه (Khalilzad, 2000, p. 48).

واقعیت‌های موجود گویای آن هستند که دست کم تا دو دهه بعد مناطق پیرامون ترکیه اهمیت خود را در نظام بین‌الملل از دست نخواهند داد و این امتیازی برای ترکیه است تا از این راه اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار دهد. دولت ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه همواره سعی کرده است در راستای همگرایی با اتحادیه اروپا حرکت کند. در طرح‌هایی که منجر به تغییر در قانون اساسی ترکیه می‌شود تلاش می‌شود که اعتراض‌های اتحادیه اروپا به برخی از قوانین که به‌عنوان مانعی بر سر راه عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا

ارزیابی شده‌اند، رفع شود. ترکیه قرار است به تغییر دیدگاه‌های خود در موضوع‌هایی مانند مناقشه قبرس، بحران‌های موجود با یونان، بررسی هزینه‌های ارتش از سوی دیوان محاسبات، برابری حقوق زن و مرد، انحلال دادگاه‌های امنیت دولتی، حذف نماینده ستاد ارتش از شورای سازمان آموزش عالی، بهبود وضعیت آزادی رسانه‌ها و پذیرش برتری حقوقی قراردادهای بین‌المللی نسبت به حقوق داخلی، بپردازد.

از سوی دیگر، اتحادیه اروپا به‌خوبی می‌داند که ترکیه برای آمریکا اهمیت زیادی دارد. زیرا ترکیه از بعد ژئوپلیتیکی در منطقه حساس و پرتنش خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. به صورت سنتی جذاب‌ترین ویژگی ترکیه برای اروپا، غیر دینی بودن این کشور است که غرب آن را نوعی به رسمیت شناختن الگوی برتر سیاسی - فرهنگی جامعه اروپایی می‌داند. بدون تردید ترکیه کشوری درون اروپا محسوب نمی‌شود. از این رو، عضویت آن در اتحادیه اروپا نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن موقعیتش در برابر دیگر کشورها ارزیابی شود. به این دلیل، فهرست پیش شرط‌ها برای عضویت ترکیه، طولانی‌تر از دیگر کشورهای اروپا است. یک کشور متفاوت بودن، نه تنها بر ترکیه بلکه بر اتحادیه اروپا به‌عنوان یک کل و نیز بر تک تک اعضای اتحادیه اروپا مؤثر خواهد بود. بنابراین، هر دو طرف هنوز سعی می‌کنند به‌جای پذیرفتن یکدیگر، یکدیگر را مدیریت کنند.

روابط ترکیه و یونان

روابط با یونان از افق‌های پر ابهام در چشم انداز تصویر اروپایی ترکیه است. دولت اردوغان سیاست تنش زدایی با یونان را که از سال ۱۹۹۹ آغاز شد، ادامه داده و هم اکنون روابط جاری یونان و ترکیه بهتر از همیشه است. مبادلات تجاری و گردشگری میان دو کشور افزایش یافته و همکاری در زمینه انرژی با افتتاح خط لوله گاز ۳۰۰ میلیون دلاری که میدان‌های غنی گاز قفقاز را به اروپا وصل می‌کند، تقویت شده است (قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴). همکاری‌های رو به گسترش ترکیه و یونان در زمینه انرژی، موجب پویایی روابط در سطح‌های مختلف و عاملی برای کاستن از حساسیت قبلی بر سر قبرس شده است. خطر درگیری نظامی ترکیه با یونان به‌شکل چشمگیری فروکش کرده و موضع دو کشور درباره قبرس دیگر همچون گذشته روابط دو کشور را متأثر نمی‌سازد (Çakmak, 2012, p. 21).

در میان کشورهای همسایه ترکیه فقط یونان است که دولت ترکیه تاکنون برای بهبود روابط با این کشور از نظر تحمیل شرایط موجود و اختلاف‌های دیرینه دو کشور به آن اقدام نکرده بود. رسانه‌های یونان نوشته‌اند، ترکیه در این دوران بحرانی خواهان توسعه همکاری‌های بازرگانی و اقتصادی با یونان است و از آتن می‌خواهد تا تسهیلاتی در زمینه صدور روادید ورود کارآفرینان ترکیه‌ای به بازار یونان وضع کند. دو کشور همکاری‌های اجتماعی، تجاری، اقتصادی و فرهنگی خود را به شکلی تنظیم خواهند کرد که تا حد امکان از مشکلات حقوقی و سیاسی موجود متأثر نشوند. بهبود روابط ترکیه با یونان، در شرایطی که این کشور یکی از سخت‌ترین بحران‌های اقتصادی خود را سپری می‌کند، می‌تواند خاطره خوبی در ذهن‌های ملی آن کشور نسبت به ترکیه ایجاد کند که در حل مشکلات موجود میان دو کشور تأثیر خواهد گذاشت.

جدا از مسئله قبرس، روابط ترکیه با یونان بیشتر بر دو موضوع متمرکز شده است: موضوع نخست به دریای اژه و موضوع دوم به اتحادیه گمرکی ترکیه با اتحادیه اروپا مربوط می‌شود. در واقع یونان نمی‌خواهد جامعه اروپا روابط خود را با ترکیه بهبود بخشد. ولی با نفوذ روز افزون ترکیه در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی هراسش از ترکیه بیشتر شده است. طبیعی است که ترکیه در میان اردوگاه غرب از جمله جامعه اروپا برای یونان بهتر از دیگران بود، اما یونان همواره تهدید به استفاده از قدرت و توی خود در اتحادیه اروپا علیه ترکیه کرده است.

روابط ترکیه و قبرس

بی تردید بحران قبرس، از پیچیده‌ترین مشکلات پیش روی سیاست خارجی ترکیه است. در حالی که در عرصه خارجی، آمریکا و اتحادیه اروپا خواهان حل بحران قبرس و وحدت دو بخش شمالی ترک نشین و جنوبی یونانی نشین هستند، در صحنه داخلی ترکیه غیر دینی‌ها و نظامی‌ها، موضوع قبرس را به یک موضوع ملی و امنیتی تبدیل کرده‌اند. آنها از دست دادن نفوذ ترکیه در قبرس شمالی را یک شکست فاحش برای ترکیه در برابر دشمن دیرین خود، یعنی یونان می‌دانند. با شکست رئوف دنک‌تاش^۱ در انتخابات سال ۲۰۰۵ موضع کمالیست‌ها و

1. Rauf Denktash

نظامی‌ها در داخل قبرس تضعیف شد. ضمن این که پیروزی محمد علی طلعت هم نشان داد که خود مردم قبرس خواهان حل مشکل جزیره جهت رفع مشکلات اقتصادی و خروج از انزوای سیاسی هستند (قهرمانپور، ۱۳۸۴، ص ۷۳).

اختلاف های سنتی ترکیه و قبرس در اواخر سال ۲۰۱۱ و به دنبال اقدام دولت ترکیه در فرستادن کشتی اکتشافی- پژوهشی به جزیره قبرس و بخش هایی از قبرس جنوبی که با کشتی جنگی اسکورت می شد، شدت یافت. به دنبال بالا گرفتن اختلاف، رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه هشدار داد که کشورش در برابر عملیات اکتشافی قبرس جنوبی مقابله می کند و کشف منابع هیدروکربنی و معدنی در این مناطق را افزایش می دهد. این اختلاف ها در هفته های اخیر شدت بیشتری یافته است. در ۲ ژوئیه ۲۰۱۲ تانر ایلدیز وزیر انرژی ترکیه و درویش اراولو رهبر قبرس شمالی، عملیات حفاری در روستای سینگراسی نزدیک فاماگوستا را در مراسمی افتتاح کردند. وزیر انرژی ترکیه در این مراسم تصریح کرد که ترکیه فعالیت های اکتشاف نفت را با هدف گسترش همکاری های مشترک با قبرس شمالی آغاز کرده است. اراولو با بیان این که آغاز فعالیت های مشترک حفاری ترکیه و قبرس شمالی لحظه ای تاریخی است که برای قبرسی های ترک اهمیت راهبردی دارد افزود: «ما به هیچ کس اجازه نمی دهیم حقوق قبرس شمالی در شرق مدیترانه را از آنها سلب کند» (Europe Report, 2012, p. 5).

به این ترتیب می توان گفت مسئله قبرس تا حد زیادی در گرو روابط ترکیه و اتحادیه اروپا است. اگر ترکیه بخواهد پیش شرط های اتحادیه اروپا را بپذیرد، یکی از این پیش شرط ها برخورد یکسان با اعضای اتحادیه اروپا و از جمله قبرس جنوبی است. اکنون دیگر ترکیه نمی تواند روابط خود را با قبرس فقط به روابط دو جانبه محدود کند؛ بلکه باید با قبرس جنوبی در قالب اتحادیه اروپا برخورد کند و برای مثال اجازه دهد سفارت قبرس در خاک ترکیه آغاز به کار کند. همین گونه در روابط بازرگانی - حقوقی ترکیه نمی تواند با قبرس جدای از اروپا برخورد کند. آنچه مشخص است این که قبرس عضو اتحادیه اروپا است و رأی آن برای حضور ترکیه در جمع کشورهای اروپایی سند محسوب می شود. با این حال، رویکرد ترکیه در مقابل بحران قبرس سبب شده است تا آنکارا از اتحادیه اروپا دورتر شود. بدون شک در دوران ریاست قبرس بر اتحادیه اروپا این روند تشدید خواهد شد. به عبارت بهتر، تا پایان سال ۲۰۱۲ یعنی زمان پایان ریاست قبرس بر اتحادیه اروپا، نمی توان از حل و فصل مسالمت

آمیز بحران قبرس سخنی به میان آورد. با این وجود تا زمانی که بحران قبرس حل نشود، ترکیه نمی‌تواند به اتحادیه اروپا وارد شود. رأی منفی قبرس و یونان هم اکنون قطعی است و همین مسئله باعث دورتر شدن ترکیه از اتحادیه اروپا شده است (Davutoğlu, 2012, p. 14).

جهت ارزیابی مفید از این رویدادها باید به چند نکته اساسی توجه کرد، همواره مسیر توافق‌های کشورهای اتحادیه اروپا بسیار پر فراز و نشیب و پیچیده است. نمونه‌های زیادی در این مورد وجود دارد که به‌عنوان نمونه برنامه هسته‌ای ایران نیز در شمار آنها است. روند امتیازگیری از طرف مقابل جزء جدایی‌ناپذیر سیاست اتحادیه اروپایی - به‌ویژه کشورهای تأثیرگذار در آن فرانسه، انگلستان و آلمان - است و ما همواره شاهد این روش و روند در بسیاری موارد هستیم. باقی ماندن مسئله قبرس به‌عنوان یک مورد حل نشده می‌تواند در آینده برای اتحادیه اروپا مانند یک اهرم فشار علیه ترکیه عمل کند. زیرا موضوع قبرس برای ترکیه (دولت و ملت) یک مسئله بسیار مهم است و انتظار عقب‌نشینی از آن دور به‌نظر می‌رسد. به همین دلیل با محور قرار دادن قبرس، یک مدرک و دلیل محکم همواره در دستان اروپایی‌ها خواهد بود که در طول گفت‌وگوها، با آن ترکیه را مجبور به امتیاز دادن کنند.

نتیجه

سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه رویکرد نوینی را در پیش گرفته و دچار دگرگونی شده است. پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، دستگاه سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر غرب محوری و نیز نگاه به شرق و فاصله گرفتن از سیاست‌های ترک‌گرایی، گرایش جدی برای عضویت در اتحادیه اروپا را الگوی کار خود قرار داد. ترکیه مصمم است نگاه امنیتی حاکم بر روابط ترکیه و روسیه در گذشته را به نگرشی مسالمت‌جویانه بر روابط دو کشور تبدیل کند. در واقع این کشور به‌دنبال یک سیاست خارجی چندوجهی است. اما سیاست جدید حزب عدالت و توسعه همواره با این انتقاد روبرو بوده که در تعارض با سیاست‌های غرب‌گرایی این کشور قرار داشته است. روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا از یک سو این واقعیت را دربر دارد که ترکیه به‌خوبی می‌داند که از فردای قرار گرفتن زیر پرچم آبی اتحادیه اروپا، منافع مشترکی با اروپایی‌ها پیدا می‌کند؛ پس در حلقه امنیتی آنان نیز قرار می‌گیرد. دومین برتری غیر قابل چشم‌پوشی آن است که گردش نیروی کار آزاد با کشورهای صنعتی و پیشرفته در قلب این اتحادیه پیدا

می‌کند و این برگ برنده اقتصادی کوچکی برای ترک‌ها نخواهد بود. گذشته از آن که به شکل گسترده و پیوسته‌ای استانداردهای زندگی و مردم‌سالاری در ترکیه به استانداردهای موجود در اروپا نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود؛ از سوی دیگر این روند عضویت به صورت یک فرآیند و خط مونتاژ بوده است و ویژه عملکرد حزب عدالت و توسعه نیست. بلکه این حزب به‌عنوان یک عامل محرک و شتاب‌دهنده عمل کرده است. همان‌گونه که گفته شد دیدگاه حزب عدالت و توسعه نسبت به اتحادیه اروپا براساس نگاه راهبردی مبتنی بر صلح جهانی و منطقه‌ای است و درحالی که حزب‌های کمالیست براساس رویکرد احترام به دولت ملی، غیردینی و عضویت کامل همراه با سربلندی عمل می‌کنند.

منابع

الف- فارسی

۱. ابراهیمی، طالب (۱۳۸۹)، تبیین رابطه ترکیه و آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۷-۲۰۰۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال سوم، شماره ۵، صص ۲۳-۱.
۳. اشلقی، مجید عباس و حسن نقدی نژاد (۱۳۸۵)، «چشم انداز عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی»، گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۸-۱.
۴. ایمانی، همت (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی ترکیه در پرتو بهار عربی»، دیپلماسی ایرانی، برگرفته از سایت: <http://ww://irdiplomacy.ir/fa/page/1899253>. (تاریخ دسترسی ۸ فروردین ۱۳۹۱)
۵. آقازاده، مازیار (۱۳۸۳)، «حرکت ترکیه به سمت اتحادیه اروپا»، برگرفته از سایت: <http://www.did.ir/document/index.aspx?cn=na>. (تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۸/۲).
۶. قاسمی، حسین (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای ترکیه»، رویدادها و تحلیل‌ها، سال بیست و سوم، ماهنامه ۲۳۳، صص ۱۳۲-۱۰۲.
۷. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۴)، جهت‌گیری عمده سیاست خارجی ترکیه، تعاملات ایران و ترکیه در آغاز قرن بیست و یکم، نامه دفاع، انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی، شماره ۴، صص ۷۸-۵۰.
۸. کرمی، جهانگیر و زینب نجفی (۱۳۹۰)، «همکاری‌های روسیه و ترکیه: هدف‌ها، گستره و چشم‌اندازها»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۹، صص ۷۸-۵۹.

۹. نوع پرست، زهرا (۱۳۸۶)، «ترکیه و اتحادیه اروپا: دو دستگی آرا»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۱۰ - ۲۰۹، صص ۷۸-۹۳.
۱۰. واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «تجربه جدید در ترکیه، تقابل گفت‌وگوها، راهبرد، شماره ۴۷، صص ۷۸-۴۱.
- ۱۱- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «علل پیروزی اسلامگرایان در ترکیه و پیامدهای آن»، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، برگرفته از سایت: <http://www.csr.ir/departments.asp> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۱۱/۳).
- ۱۲- واعظی، محمود (۵ آبان ۱۳۸۶)، «تحولات اتحادیه اروپا و رویکرد سیاست خارجی فرانسه، تغییر معادله»، *همشهری دیپلماتیک*، صص ۶-۹، برگرفته از سایت: <http://did.ir/catalog/index.aspx?cn=pp00020085701553009> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۶/۱۸).

ب- انگلیسی

1. Amr, Hamzawy (July 2008), "Party for Justice and Development in Morocco: Participation and Its Discontents", Carnegie Endowment for International Peace, (Accessed on: 30/ 9/ 2011).
2. Çakmak, Gizem (2012), "Greek -Turkish Relations in the Post Helsinki Period: Is Europe a Framework Providing Détente?" Available at: <http://www.idec.gr/iier/new>, (Accessed on: 16 /5/2012).
3. Chislett, William (2012), The EU's Progress Report on Turkey: No End in Sight, Available at: <http://www.washingtonpost.com/opinions/turkeys-miscarriage-of>, (Accessed on: 2012/09/21).
4. Crisis Group Europe Report (2012), "Aphrodites Gift Can: Cypriot Gas Power a New Dialogue?" No. 216, Available at: <http://www.crisisgroup.org>, (Accessed on: 2 /3/ 2012).
5. Davutoğlu, Ahmet (2012), "Turkey's Zero-Problem Foreign Policy", in Foreign Policy Online, Available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles>, (Accessed on: 10/5/2012).
6. Gareth, Jones (22 July 2007), "Turkey Goes to Polls Amid Violence and Fears of Islamism". The Independent Accessed on: 28 February 2011).
- 7- Gareth Winrow (2012), Turkey, Russia and the Caucasus: Common and Diverging Interests, <http://www.chathamhouse.org/publications/papers/view>.
8. House, Chatham (2009), "Turkey, Russia and the Caucasus: Common and Diverging Interests", London, The Royal Institute of International Affairs, www.chathamhouse.org.uk, (Accessed on: 1/9/2009).
9. Morelli, Vincent (September 9, 2011), "European Union Enlargement: A Status Report on Turkey's Accession Negotiations", **CRS Report for Congress**.
10. Robins, Philip (2007), "Turkish Foreign Policy Since 2002: between a Post-Islamist Government and a Kemalist", **International Affairs**, Vol. 83, Vol. 1, pp. 289-304.

11. Taşpınar, Ömer (2012), “Turkey: The New Model?”, Available at: <http://www.brookings.edu/research/papers/2012/04/24-turkey-new-model-taspinar>, (Accessed on: 5/4/ 2012).
12. Zalmay, Khalilzad (2000), “Changes on the Turkish Domestic Scence and the Foreign Policy Implications”, in **the Future of Turkish-Western Relation: Toward a Strategic Plan**, Washington: RAND Publications.

